

عباس عبادتی
فعال سیاسی

انتخابات مطلوب

آیا باید از طریق انتخابات اقدام به مشارکت سیاسی کنیم یا خیر؟

کارکردهای پیش‌بینی شده را داشته باشد.

اینها مشخصه‌های یک انتخابات ایده‌آل است، ولی در عمل و به طور معمول در مواردی با این ویژگی‌های ایده‌آل فاصله داریم یا سازمان حزبی وجود ندارد و ضعیف است، یا در مرحله تأیید صلاحیت‌ها محدودیت‌های نامتعارف و غیر منطقی ایجاد می‌شود یا در مرحله تبلیغات تخلفات عدیده‌ای به وجود می‌آید یا در مواردی در دادن رأی و شمارش آن تقلب می‌شود یا نهاد برآمده از انتخابات کارآیی مورد نظر را ندارد. بنابراین ما همیشه با یک وضع نسبی و این پرسش مواجه هستیم که انتخابات مطلوبی که باید در آن شرکت کنیم چیست؟ طبیعی است که همه مردم در این باره به اتفاق نظر نمی‌رسند، بویژه اینکه همه این پرسش‌ها دارای پاسخ یکسانی نسبت به شهروندان نیست.

برخی از شهروندان نامزدهای مورد نظر خود را در میان نامزدهای اعلام شده دارند، برخی ندارند. امکان وقوع تخلف احتمالی برای همه یکسان نیست، برای برخی جناح‌ها بیشتر و برای بقیه کمتر است. بنابراین مواضع افراد و گروه‌ها نسبت به انتخابات و ارزیابی اعتبار آن یکسان نخواهد بود. با این حال کسانی که نسبت به ویژگی‌های مطلوب انتخابات نقد و اعتراض دارند، چه رفتاری باید پیشه کنند؟ به نظر بنده چند مؤلفه را باید در نظر گرفت. اولین آنها حفظ نهاد انتخابات به عنوان یک اصل اساسی است. همچنین اصل را بر مشارکت باید گذاشت، مگر آنکه خلاف آن نتیجه شود.

دوم، گفت‌وگوی آزاد درونی برای ارزیابی وضعیت مؤلفه‌های انتخابات و اینکه آیا حداقل‌های لازم در انتخابات برای مشارکت وجود دارد یا خیر؟ اگر بلی، در این صورت باید سطح مشارکت را از قبیل معرفی نامزد تا رأی دادن عادی روشن کرد. و بالاخره نکته سوم اینکه رسیدن به یک انتخابات مطلوب لزوماً فقط تحت تأثیر سیاست‌های حکومت‌ها نیست، بلکه منتقدان نیز در تعیین کیفیت انتخابات نقش مؤثری دارند. لذا باید در این باره بحث کرد و به

چرا از انتخابات دفاع می‌کنم؟ آیا باید از آن طریق اقدام به مشارکت سیاسی کنیم یا خیر؟

پیش از هر چیز باید درک دقیقی از مفهوم شیوه‌های تغییر به دست آورد. ذهنیت بسیاری از ما از جامعه، مثل ذهنیتی است که از یک ساختمان داریم. ساختمانی را که فرسوده شده و شایسته تعمیر نمی‌دانیم و آن را تخریب و از نو بازسازی می‌کنیم. در نتیجه گمان می‌کنیم جامعه هم همین طور است، می‌توانیم آن را خراب و دوباره هر طور که خواهیم آن را بسازیم. این نگرش به جامعه بسیار ساده‌لوحانه و حتی تا حدی احمقانه است، زیرا که در درجه اول و برخلاف ساختمان، فرد خاصی به عنوان معمار برای جامعه وجود ندارد که در ذهن خود نقشه بریزد و منابع لازم را برای ساختن تهیه کند. در مرحله بعد، اجزای جامعه برخلاف ساختمان بی‌اختیار نیستند و مثل سنگ و آهن جامد نیستند که معمار هر طور خواست آنها را بچیند.

اجزای جامعه تا حدودی مستقل عمل می‌کنند و معلوم نیست نقشی را که معمار فرضی از آنها در نظر دارد، ایفا کنند و از همه مهم‌تر اینکه سوگیری این اجزا چندان ثابت نیست. تا پیش از خراب کردن جامعه یک تصویر از خود نشان می‌دهند که با تصویر واقعی آنان بعد از خراب شدن جامعه و هنگام بازسازی متفاوت است. در مجموع می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که تحولات رادیکال و زیر و رو کردن جامعه مطابق نقشه‌ای فرضی غیر ممکن است و جامعه‌ای که از این طریق به دست می‌آید هیچ شباهتی با تصویر خیالی معماران اجتماعی پیش از تخریب کلی جامعه ندارد.

از سوی دیگر هر جامعه‌ای نیازمند یک نهاد حل اختلاف است. نهادی که حرف پایانی را بزند و فصل‌الخطاب باشد. یکی از علل مهم خشونت و قتل در روابط فردی این است که برخی از مردم میان خود فصل‌الخطاب مورد قبولی ندارند، لذا برای حل اختلاف دست به اقدام شخصی می‌زنند و اقدام شخصی یعنی استفاده از زور و خشونت.

در سطح جامعه نیز باید یک نهاد حل اختلاف نهایی داشت. نهاد انتخابات از این حیث در نقش نهاد حل اختلاف عمل می‌کند و مانع از خشونت‌ورزی اعضای جامعه می‌شود. بنابراین همواره باید کوشید که این نهاد را حفظ کرد.

انتخابات به عنوان نهاد حل اختلاف در حوزه سیاست و به عنوان دماسنج سیاسی که رابطه کنشگران با مردم را به نحو صحیحی شکل می‌دهد و به عنوان شیوه‌ای کم‌هزینه برای تغییر، باید همواره مورد حمایت و استقبال قرار گیرد. ولی همان طور که گفته شد، وضعیت این نهاد صفر و یک نیست؛ بلکه وضعیت آن همیشه نسبی است. انتخابات مطلوب و ایده‌آل انتخاباتی است که همه مردم بتوانند در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی متشکل شوند و هر شهروندی بتواند گرایش مطلوب یا نزدیک به خود را در انتخابات پیدا کند و منعی غیر متعارف نیز برای حضور افراد آن گرایش وجود نداشته باشد.

همچنین فرآیند رقابت‌های انتخاباتی شفاف و منابع مالی احزاب و گروه‌ها روشن باشد و همه نامزدها به تناسب و عادلانه به امکانات عمومی دسترسی داشته باشند. سپس انتخابات سالم برگزار شود و نظارت دقیقی بر اجرای آن از هر جهت اعمال شود و بالاخره نهاد برآمده از انتخابات

